



نگاهی به اولین تجربه کارگردانی سعید ملکان در «روز صفر» در گفت‌وگو با منتقدان

یک تریلر سیاسی ملت‌ه‌ب

فرهنگی نخستین تجربه‌بلندسنمایی سعیدملکان بعد

از سال‌ها فعالیت در حوزه چهره‌پردازی و تهیه‌کنندگی، یک فیلم امنیتی اما محبوب است. در این فیلم ماجرای دستگیری عبدالملک‌ریگی (ساعد سهیلی) توسط نیروهای امنیتی به سرپرستی علی/ سیاوش (امیر جدیدی) روایت می‌شود. فیلم‌نامه را ملکان به‌صورت مشترک با بهرام توکلی نوشته که پیش از این در فیلم‌های «غلامرضا تختی»، «آسمان زرد کم‌عمق»، «تنگه ابوقریب» و «بیگانه» با یکدیگر همکاری داشتند. نمایش عمومی این فیلم از ۱۵ اسفندماه و در ترکیب اکران نوروزی آغاز شد. «روز صفر» فروش متوسط رویه رشدی داشته، در رده چهارم فهرست پرفروش‌های امسال قرار دارد و در هفته اخیر با افزایش تعداد مخاطبان، در رتبه سوم فروش هفتگی قرار گرفته است. تعدادی از منتقدان در گفت‌وگو با «ایران» از این فیلم گفته‌اند.

بازیگرش دانگ



محدثه

واعظ‌پور

روزنامه‌نگار

یل‌داشت

محدثه

واعظ‌پور

روزنامه‌نگار

سال ۱۳۸۹ فیلم «آفریقا» (هومن سیدی) معرفی‌کننده یک استعداد تازه به سینمای ایران بود. بازیگری جوان با فیزیکی مناسب که یک سال بعد، در دومین همکاری با سیدی و در فیلم «اسیزده» دیپلم افتخار بهترین بازیگر مکمل مرد را از سی و دومین جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. صرف‌فرد در انتخاب‌هایش هم به سراغ فیلم‌هایی رفت که برای تماشاگر جذاب بودند (رخ دیوانه) و هم تجربه‌هایی که با جریان غالب سینمای ایران تفاوت داشتند (از‌ها وارد می‌شود). نتیجه حضور در این فیلم‌ها، آن هم در زمانی کوتاه این بود که او تبدیل به گزینه‌ای قابل قبول برای سینمای تجاری و کارگردانی که سینمای متفاوت را دنبال می‌کردند، شده بود. دهه ۹۰، دوره ورود بازیگران جوان بسیاری به سینمای ایران است. بازیگرانی که اغلب آنها فراموش شده‌اند، اما امیر جدیدی خیلی زود به یکی از شاخص‌ترین بازیگران این دهه تبدیل شد. نوعی که در کارنامه او و در انتخاب نقش‌هایش دیده می‌شود، در کارنامه کمتر بازیگری می‌توان یافت. بازیگران همدوره او، از جمله نوید محمدزاده (که افتخار‌های بین‌المللی بیشتری دارد) یا جواد عزتی (که فیلم‌های پرفروش بیشتری در کارنامه‌اش ثبت شده است) به واسطه پرکاری در آثاری ضعیف هم بازی کرده‌اند، اما تعداد فیلم‌های ضعیف کارنامه جدیدی انگشت شمار است. او در سریال تلویزیونی با شبکه نمایش خانگی بازی نکرده است. گاهی گرفتار بدبینی شده، فرصت نقش آفرینی در فیلم «تختی» را با وجود پشت سر گذاشتن تمرین‌های فراوان از دست داد، نقشی که می‌توانست به نقطه عطف کارنامه‌اش تبدیل شود، اما با این‌حذف حرفه‌ای برخورد کرد و یک سال بعد در «تنگه ابوقریب»، با همان کارگردان و تهیه‌کننده و در نقش جده تهران با برام در فضایی کاملاً متفاوت با دیگر تجربه‌هایش درخشید. بازی در فیلم‌های کیمیایی آن هم در نقش قهرمان، از آرزوهای اغلب بازیگران است. جدیدی در نقش سیاوش در «قاتل اهلی»، در قالب جوانی جنوب شهری که هنوز به آلمان‌هایی چون رفاقت پایبند است، به یکی از امتیازهای فیلم تبدیل می‌شود. او در این فیلم که از بهترین‌های کارنامه‌ها سازنده‌اش نیست و به‌خاطر حذف تعدادی از سکانس‌های بازی جدیدی، لطمه دیده از جنس قهرمان بهترین فیلم‌های سینمای کیمیایی است و بازی‌اش را می‌توان در کنار بهترین بازی‌های سال‌های پس از انقلاب سینمای کیمیایی به شمار آورد، گرم و به یادماندنی.

امیر جدیدی پس از «آفریقا»، خیلی زود بازی در تئاتر را هم تجربه کرد. حضورش در نمایش «روایت ناتمام یک فصل معلق» (هومن سیدی) در کنار بازیگرانی که در دهه ۹۰ از چهره‌های مهم و پرکار سینما و تئاتر بودند (نوید محمدزاده، باران کوثری، هوتن شکیبا و آزاده صمدی) تجربه‌ای موفق رقم زد که نشان دهنده توانایی‌های این بازیگر تازه آمده به سینما بود. سال ۹۸ دوباره با «شاه‌ماهی» روی صحنه آمد، یک بازیگر تمام‌عیار که با نقشی دشوار و ظاهری متفاوت، صحنه را از آن خود کرده بود. جدیدی در کمدی «قانون مورفی» در نقش جوان دست و پاچلفتی، در کنار بازیگر قدرتمندی مانند امیر جعفری، یک زوج تکرارنشده‌ی شکل دادند. فیلم، اگرچه فروش خوبی داشت اما منتقدان آن را دوست نداشتند و تلاش جدیدی برای تجربه یک شخصیت تازه نادیده گرفته شد. همکاری با اصغر فرهادی و بازی در «قهرمان» پاسخی شایسته به یک دهه تلاش و تجربه‌گری جدیدی است. او در «قهرمان» شبیه هیچ‌یک از نقش‌های قبلی‌اش نیست. جذابیت‌های ظاهری‌اش کم‌رنگ شده و لوجه دارد. رحیم شخصیتی است که تا اواسط فیلم، تماشاگر او را مثبت و قهرمان می‌بیند اما در نیمه دوم، چالش‌ها ذهن تماشاگر را نسبت به این مرد آرام تغییر می‌دهد. نمایش فیلم در جشنواره کن بیش از ایران با استقبال مواجه شد و خیره‌هایی درباره احتمال دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد شنیده می‌شد، اما بخت با او یار نبود. در تحلیل رسانه‌های خارجی، جدیدی شایسته دریافت اسکار بهترین بازیگر مرد هم بود. دریافت این جوایز می‌توانست مسیر بین‌المللی شدن جدیدی را هموار کند. رؤیایی که در دهه دوم فعالیت این بازیگر، چندان دور از دسترس به نظر نمی‌آید.

موشگ کمکمانی



آرش خوشخو



برترین مزیت «روز صفر» سوزۀ خارق‌العاده آن است که در میان تمام پرونده‌های جاسوسی امنیتی مربوط به ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و همه مشخصات تلقی‌کنندای درباره سینمای جاسوسی از «روز صفر» اما روی واقعه مشخص از تاریخ معاصر و نحوه دستگیری عبدالملک ریگی تمرکز می‌کند. فیلم بخوبی از قابلیت‌ها و حادتهای قصه استفاده کرده است. از ووه مثبت فیلم تصویر بدمن باهوش و قدرتمندی است که روی پیروانش نفوذ دارد و به سادگی نمی‌توان او را به تله انداخت. در عین حال با ظرافت، اختلافات داخلی نیروهای امنیتی ایران را هم نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که تا حد زیادی به واقعیت وفادار است و بر اساس اسناد و مدارکی که در اختیار

علیرضا نراقی



به طور قطع در صحنه‌پردازی و کارگردانی یک تریلر جاسوسی- سیاسی، «روز صفر» یک اتفاق مهم در سینمای ایران است، فیلمی است استاندارد و تر و تمیز در اجرا. اما در بطن این اجرای موفق، فیلم در شخصیت‌پردازی- خصوصاً در مورد شخصیت مرکزی- ناموفق و عقیم است. همچنین از مصالح و مواد اولیه لازم برای ایجاد تعلیق‌های خاص یک درام جاسوسی تهیه شده. «روز صفر» در عین پوسته‌ای جذاب و پرکشش و با وجود موضوع تنش‌آلود و جالب توجهی که دارد، از درون خالی است.

سحر عصر آزاد



فیلمی خوش ساخت و استاندارد که از وجه مهمی به نام اتمسفر ایرانی و به تبع آن قصه‌گویی، روایت، شخصیت‌پردازی، چینش روابط، طراحی نقاط عطف و گره‌گشایی از جنس ایرانی و اینجایی غافل شده و تکرار محض الگوی جهانی تریلرهای سیاسی- جنایی است بدون آنکه هویت مخصوص به خود را پیدا کند.

کیوان گتیریان



«روز صفر» از فیلم‌های اکشن خوش ساخت سینمای ایران در چندسال اخیر است. سوزۀ‌های که انتخاب شده، هیجان‌انگیز، دارای تعقیب و گریز با یک بدمن با هوش و یک قهرمان قوی است. رویکرد فیلم سعید ملکان متفاوت از فیلم مشابه آن «شبی که ماه کامل شد» است. فیلم نرگس آبیار بستر عاشقانه هم دارد، برادران ریگی را در دوران قدرتشان نشان می‌دهد و تمرکزیش روی عبدالحمید ریگی است. «روز صفر» اما روی واقعه مشخص از تاریخ معاصر و نحوه دستگیری عبدالملک ریگی تمرکز می‌کند. فیلم بخوبی از قابلیت‌ها و حادتهای قصه استفاده کرده است. از ووه مثبت فیلم تصویر بدمن باهوش و قدرتمندی است که روی پیروانش نفوذ دارد و به سادگی نمی‌توان او را به تله انداخت. در عین حال با ظرافت، اختلافات داخلی نیروهای امنیتی ایران را هم نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که تا حد زیادی به واقعیت وفادار است و بر اساس اسناد و مدارکی که در اختیار



سیدآریا فریسی



باید به همان جمله طلایی آلفرد هیچکاک رجوع کنیم: «هر قدر شخصیت منفی فیلم بهتر باشد، خود فیلم بهتر است.» مشکل اصلی «روز صفر» را باید در فیلم‌نامه‌ای جست‌وجو کرد که در ساخت یک تقابل دراماتیک اساسی میان قطب‌های خیر و شر ناکام می‌ماند. شخصیت ریگی (ساعد سهیلی) در خود فیلم ساخته نمی‌شود. برای تأثیرپذیری از حضور این کاراکتر مدام باید به یاد باوریوم که ریگی در دنیای واقعی چه شخصیت مخوفی بود. پس «روز صفر» از این جنبه بشدت به فرامتن وابسته است. فیلم در پرورش قهرمان هم چندان موفق نیست. باورپذیری نسبی شخصیت اصلی تا حد زیادی مدیون بازی امیر جدیدی است که توانایی قابل‌تحسینی در ایفای نقش یک قهرمان مصمم به شکلی بی‌اغراق و پذیرفتنی دارد. اما مشکلات فیلم محدود به

حمیدرضا مدقق



سازندگان بوده فیلم‌نامه مبتنی بر واقعیت است. در سینمای ما که معمولاً هنوز بلد نیستند قهرمان بسازند، یک قهرمان پر قدرت و باهوش این شکلی کم داشته‌ایم. در دوره‌ای چشمید هاشم‌پور بخوبی چنین نقش‌هایی را ایفا می‌کرد، اما سال‌هاست که فیلم اکشن ساخته نمی‌شود و قهرمان اکشن با کیفیت نداریم. هر دو بازیگر نقش‌های اصلی روز صفر بازی‌های خوبی ارائه داده‌اند، اگر چه فیلم‌نامه حفره‌هایی دارد اما در مجموع «روز صفر» در سینمای حادثه‌ای فیلم قابل قبولی است و یک شروع خوب در کارگردانی برای ملکان است؛ بعد از سال‌ها فعالیت در حوزه چهره‌پردازی و تهیه‌کنندگی و با توجه به نقش و سهم فراوان سعید ملکان در ساخت فیلم‌های مختلف، می‌شد پیش‌بینی کرد که کار اول او به‌عنوان یک فیلم‌ساز، با کیفیت خواهد بود. «روز صفر» فارغ از این‌نولوژی، علاقه‌مندان سینمای اکشن و حادثه‌ای را راضی می‌کند.

شاهین امین



سازندگان «روز صفر» تلاش کرده‌اند اکشنی جذاب بسازند؛ نتیجه این تلاش در صحنه‌های درگیری و بخش حادثه‌های ماجرا تا حد زیادی قابل قبول است اما اشکالاتی که در فیلم‌نامه وجود دارد، باعث می‌شود «روز صفر» از فیلمی متوسط فراتر نرود. همان طور که در نمونه‌های خارجی دیده‌ایم، نگارش فیلم‌های حادثه‌ای به دقت در جزئیات نیاز دارد و ویژه‌کاری‌ها مهم است اما «روز صفر» از آن غافل است و نتیجه اینکه مخاطب با علامت سؤال و چرهای بسیار مواجه می‌شود و از خود می‌پرسد چرا این اتفاق افتاد چرا این طور شد... این چرهای و علامت سؤال‌ها نشانه ضعف فیلم‌نامه است. برای اتفاقات، با بستر مناسب، زمینه‌چینی و روابط علت و معلولی وجود ندارد و بالطبع خیلی جاها باورپذیر نیست. نتیجه اینکه «روز صفر» در حد یک فیلم متوسط باقی می‌ماند که گرچه تماشاگر از اینکه برای دیدن آن به سینما آمده احساس غبن و زیان نمی‌کند و راضی از سالن سینما بیرون می‌آید اما همین که از سینما بیرون می‌آید، فراموشش می‌کند.



رضا صامی

منتقد سینما

سعید ملکان سال‌ها تجربه حضورش در سینما را چه در حوزه چهره‌پردازی و چه (بویژه) در زمینه تهیه‌کنندگی در ساخت فیلم اولش به‌عنوان کارگردان به کار گرفته تا «روز صفر» نه تنها یک فیلم اولی به معنای آماتوری و تجربه‌گرایانه نباشد که پختگی در ساختار و روایت آن فراتر از یک فیلم اولی شود. «روز صفر» فیلم چند لایه‌ای است که از یک سو می‌توان آن را اثری شخصیت‌محور، چهره‌نگارانه و پرتره دانست که به بازنمایی کاراکتر عبدالملک ریگی می‌پردازد و از سوی دیگر فیلمی حادثه‌محور که چگونگی دستگیر شدن او را به مثابه یک رخداد تاریخی به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر می‌توان آن را در ذیل ژانر اکشن قرار داد؛ یک اکشن ایرانی. اما خود همین اکشن بودن هم ضمن وفاداری ساختاری و فرمی به ژانر از حیث مضمون و درونمایه‌های معنایی واجد گزاره‌های فلسفی و روشنفکرانه است که کاملاً ردپای بهرام توکلی را به‌عنوان یکی از فیلم‌نامه‌نویسان در کنار سعید ملکان نشان می‌دهد. «روز صفر» البته یک تریلر سیاسی است که می‌تواند مخاطبان ایرانی را از تماشای یک فیلم ژانر‌محور راضی کند.

سکانس افتتاحیه «روز صفر» با صحنه‌ای چشمگیر از جاسازی بمب و اسلحه در وسایل گوناگون از کتاب‌های توخالی تا عروسک‌های بچه‌ها آغاز می‌شود و در همان ابتدا مخاطب را با انبوهی از اطلاعات مواجه می‌کند. از کار اطلاعاتی در خارج از خاک ایران تا زندگی شخصی قهرمانش و تنهایی او‌واز دست رفتن خانواده، تا همدستی پلیس پاکستان با تروریست‌های تکفیری، استمرار کودکان پاکستان در مدارس دینی برای آموزش دادن حمله‌های انتحاری و تروریستی... اطلاعاتی که از همان ابتدا با شیوه روایت و ریتم تندی که دارد نفس مخاطب را می‌گیرد و در عین حال او را بشدت درگیر قصه می‌کند. آنچه که در این میان به تعلیق اصلی قصه بدل می‌شود، عملیات تروریستی گسترده‌ای است که قرار است ریگی به شکل همزمان در شهرهای بزرگ ایران انجام دهد. این تعلیق براساخته از صحنه قهرمان با اکشن قهرمان قصه (امیر جدیدی) برای ختنی کردن نقشه عملیاتی ریگی، همراه می‌شود که در نهایت یک جدال جذاب و پرتلهاب را شکل می‌دهد که مخاطب را در فراز و نشیب‌های ملت‌ه‌ب خود همراه می‌کند.

در این فضا و موقعیت دوقطبی البته وزن نقش آفرینان این دو نقش یکی نیست. ساعد سهیلی با اینکه بازیگر خوبی است اما هم از حیث فیزیکی و هم اجرایی به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت نتوانست شمالی باورپذیر از کاراکتر ریگی را به نمایش بگذارد و به همین اندازه امیر جدیدی چنان مستحکم و قدرتمند ظاهر شد که به‌عنوان یک قهرمان هم باورپذیر است و هم به دل می‌نشیند. گرچه می‌توان این تقد را وارد کرد که کاراکتر او به تیپ‌سازی نزدیک است تا شخصیت‌پردازی، اما می‌توان با توجه به ساختار ژانری فیلم آن را پذیرفت. واقعیت این است که ملکان برای ساخت فیلمی مطابق با قواعد ژانر که فضای آن را به فیلم‌های هالیوودی نزدیک می‌کند، سراخ یک سوزۀ واقعی و تاریخی رفته و ترکیب این دو که هر کدام مقتضیات فرمی و روایی خود را دارد باعث برخی تضادها و پارادوکس‌های دراماتیک در بازنمایی ساختاری اثر می‌شود.

واقعیت این است که فیلم‌نامه «روز صفر» حفره کم ندارد، اما قدرت تکنیکی و توان اجرایی فیلم آنها را می‌پوشاند و مخاطب بیشتر درگیر التهاب قصه و شیوه بازنمایی بصری و دراماتیک آن می‌شود. «روز صفر» را می‌توان با وجود کم‌وکاستی‌هایی که دارد نمونه خوبی از یک اکشن استاندارد و ضرب‌آهنگ خوبی دارد و با جلوه‌های ویژه بصری و میدانی چشمگیر، مخاطب را ا قناع می‌کند. فیلمی که با آن می‌توان یک هیجان سینمایی را تجربه کرد و با چشم پوشیدن از ضعف‌های دراماتیکش از تماشای آن لذت برد. تماشای این فیلم را حتما در سینما باید تجربه کرد. «روز صفر» فیلمی برای پرده سینماست.